

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران (توفان)

۲۸ جنوری ۲۰۲۰

مبارزه بر سر تعیین مضمون شعار سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

روشن است کسی که شعار "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" را طرح می‌کند و امر کسب قدرت سیاسی را در دستور کار خود و یا دیگران قرار می‌دهد، باید خود روشن کند که این حکومت را با چگونه حکومتی می‌خواهد تعویض نماید. تا اینجا، گفتار وی تنها در عرصه تئوری حرکت می‌کند و برای بیان چنین سخنانی میدان پیشگونی و بیان آرزوها بسیار گسترده است، بدون آن که نتایج عملی بر آن مترتب باشد.

مسئله کسب قدرت سیاسی در یک مبارزه سیاسی، تنها یک دورنماست و نه الزاماً واقعیت روز که فوریت و جنبه عملی داشته باشد. برای تعیین شعارهای تاکتیکی روز - و نه خواستهای دور که سمت حرکت را روشن می‌کنند - ، باید وضعیت سیاسی کنونی را مد نظر قرار داد و نه شرایط آرزویی را. بدون تحلیل مشخص از شرایط مشخص که شامل وضعیت درونی و بیرونی ایران و شرایط عینی و ذهنی جامعه ما می‌شوند، نمی‌شود تاکتیکهای روز مبارزه را تعیین کرد.

در اوضاع کنونی ایران وضعیت سیاسی بلبشویی ایجاد شده است که دشمنان انقلاب ایران نیز در پیدایش آن نقش مؤثری بازی می‌کنند. خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به ابزاری برای آشوب، فروپاشی، نفوذ امپریالیسم و صهیونیسم و سرپوشی بر مناسبات تولیدی حاکم بر ایران بدل گشته است. در هر تظاهرات اعتراضی در مقابل سفارتخانه‌های ایران در خارجه، عده‌ای ایرانی با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" و یا "سرنگون باد جمهوری اسلامی" به میدان می‌آیند، بدون آن که به‌دورنما و نتایج تحقق این شعارها فکر کرده باشند. مسلماً عده‌ای عناصر صمیمی ولی نادان نیز در میان آنها یافت می‌شوند، ولی بانیان این شعارها در شرایط کنونی کشور ما افراد ناسالم و حتی مشکوکند. ویدیویی را مشاهده کردیم که یک بانوی تظاهرکننده ایرانی به مناسبت کشتار اخیر در آبانماه [عقرب] ۱۳۹۸ در ایران، در مقابل کنسولگری ایران، شعارهای افشاگرانه ضد رژیم می‌داد و در ادامه آن شعار "مرگ بر مجاهد و مرگ بر پهلوی" را که در ایران توسط مردم طرح شده بود فریاد کرد، فوراً عوامل پشت پرده این تظاهرات این خانم بی‌خبر را به‌کناری کشیدند و "آگاه" کردند که نباید به ضد متحدان آنها در مبارزه به ضد جمهوری اسلامی شعاری طرح کند که این همکاری را مخدوش نماید. آنها ظاهراً به‌این خانم توضیح دادند که سلطنت‌طلب و مجاهد متحدان "جبهه براندازی" هستند و نباید مورد افشاء و حمله قرار بگیرند. آنها از نظر "تئوریک" توضیح دادند که

"دشمن عمده" ما، رژیم ملایان است و باید این رژیم را آماج حمله قرار داد. خانم شعاردهنده که بسیار از این امر ناراحت بود و ناراحتی و غضب وی را می‌شد به‌عیان در چهره‌اش دید، با شعار سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، دور جدیدی از مخالفت را با رژیم حاکم ایران آغاز کرد، جالب این که این تظاهرات در زیر سایه پرچم "حزب کمونیست ایران" انجام می‌گرفت و فعالان آن با این تاکتیک ملایمت نسبت به سطنت‌طلب و مجاهد، کاملاً موافق بودند. البته این مسأله تنها نظر بازیگران این نمایش در مقابل سفارتخانه ایران نیست، رهبران حزب کمونیست کارگری ایران نیز از این سیاست حمایت کرده و به‌صراحت بیان می‌کنند که با تهدید و تجاوز امریکا به ایران موافقت، زیرا آنها نیز خواهان سرنگونی رژیم اسلامی بوده و ملاً متحد ما محسوب می‌شوند. آنها به‌صراحت می‌گویند وظیفه ما در شرایط کنونی نه ایجاد جبهه‌های ضدجنگ، بلکه ایجاد جبهه‌های فراوان برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد. در این کارزار امریکائی - اسرائیلی همه سایه روشنهای حزب کمونیست کارگری ایران که از تئوری‌های ارتجاعی منصور حکمت ارتزاق می‌کنند، سازمان فدائیان اقلیت، گروه مائونیست سربداران، راه کارگر هیأت اجرایی و گروه‌های چند دیگری شرکت فعال دارند. این وضعیت نامطلوب ما را بر آن داشت که بیشتر به‌این بحث بپردازیم.

حزب کار ایران (توفان) خواهان سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است. حزبی که هدف و منظور خود را سرنگون ساختن حکومت کنونی قرار داده است، ناگزیر باید در فکر این باشد که چگونه حکومتی را جایگزین حکومت قدیمی که باید سرنگون شود بنماید. این شعار و خواست ما طبیعتاً یک شعار ترویجی و مرحله‌ای است و جهت فعالیت حزب ما را روشن بیان می‌کند که ما خط تمایز روشنی با آن اپوزیسیونی داریم که تلاش دارد به‌عنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی در کادر "پلورالیسم اسلامی" همواره باقی بماند، در انتخابات تقلبی شرکت کنند و شاید روزی نیز بخت به‌آنها روی آورد و رئیس جمهور ایران شدند. حزب رویزونیستی توده ایران از قماش این نوع اپوزیسیون است. برای ما خواست فوق یک شعار مرحله‌ای بوده و در عین حال مناسبات تولیدی حاکم بر ایران را نیز روشن کرده و نمی‌گذارد خاک به‌چشمان مردم پاشیده شود و نتایج سیاستهای سرمایه‌دارانه و بهره‌کشانه این رژیم سرمایه‌داری را به پای "آخوندها" که گویا وجودشان صرفاً یک مسأله شخصی و اتفاقی است بنویسند. مبارزه ما با رژیم کنونی مبارزه با آخوندها و ملایان نیست مبارزه با سرمایه‌داری است که از باورهای دینی مردم نیز برای حفظ سلطه خویش استفاده می‌کنند. این نوع تبلیغات اپوزیسیون ایران که مضمون مناسبات تولیدی حاکم را از این شعار حذف می‌کند و به‌این ترتیب علل فقر، نابسامانی، گرانی، اختلاس، دزدی، پارتی بازی و... را تنها به‌گردن "اسلام" و "آخوند" می‌اندازد، قابل قبول نیست و در خدمت نیروهائی است که دشمنان زحمتکشان هستند. زیرا عدم روشنگری در مسأله گزینش رژیم آتی ایران، الزاماً به‌معنای بی‌برنامگی "جبهه براندازی" نیست، زیرا که جای خالی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را به‌احتمال قوی و مجدداً یک رژیم سرمایه‌داری دیگر پر خواهد کرد. این نوع تبلیغات این شبهه را ناآگاهانه در مردم ایجاد می‌کند که اگر سلطنت در ایران بر سر کار آید و یا یک مشت کراواتی زمام امور را در دست بگیرند از دزدی و غارت و یا اجرای سیاستهای خانمان‌برانداز نئولیبرالی که زیر سر "آخوندها" بوده دیگر خبری نیست و ایران بهشت برین می‌شود. حزب کار ایران (توفان) برای جلوگیری از این سوءتفاهمات و در ضمن افشاء "هواداران سرنگونی رژیم" و "جبهه براندازی" معتقد است که باید هر چه سریعتر و عمیقتر از ظاهر خواست سرنگونی گذر کرد و به‌مضمون و هدف غائی آن پرداخت. این خواست در وضعیت کنونی ایران بسیار مبهم بوده و فوریت دارد.

حزب ما برای تعیین شعارهای صحیح و رامگشا بر مبنای اوضاع کنونی به‌تعصب کور تکیه نمی‌کند. در شرایطی که سرنگونی یک نظام سرمایه‌داری بر اساس توازن قوای طبقاتی و دلایل دیگر مقدور نباشد، جایگزینی هر نوع شکل حکومتی از جمله یک جمهوری دموکراتیک نسبت به رژیم کنونی مرجح است. ولی مضمون این حداقل خواسته سیاسی

که به‌عنوان بدیل حکومتی مطرح است، باید روشن باشد. باید روشن گردد که اپوزیسیون ایران خواهان کدام نوع حکومت است که باید جای رژیم جمهوری کنونی اسلامی را بگیرد. صرف موافقت با سرنگونی این رژیم، بازگوی ماهیت انقلابی خواستاران این تغییر نیست، بلکه می‌تواند نشانه‌ی نوکرصفتی و وابستگی و خیانت این هواخواهان "براندازی" نیز باشد. به‌ویژه وقتی که این عده در مقابل پرسش محقانه‌ی شما با به‌گریز گذاشته و مدعی می‌شوند "همه با هم" و ما نباید مسایل مورد اختلاف را طرح کرده "جبهه‌ی سرنگونی" را تضعیف کنیم. آنها می‌دانند که پاسخ به‌این پرسش، دست نوکران اجنبی و دشمنان ایران را باز می‌کند و به‌همین جهت است که هر بار شما مچ این خائنان را می‌گیرید با برجسب اتهام و هوجبگری "شما همدست جمهوری اسلامی هستید" به‌میدان می‌آیند. این بیگانگان چون خودشان در ترس و التهاب به‌خاطر مواضع ضدايرانی‌شان زندگی می‌کنند، به‌این توهم دچار اند که مبارزان صادق از این هوجب‌بازی‌های آنها هراسناکند و از افشای این حقوق‌بگیران اجنبی خودداری خواهند کرد. آنها آینده‌ی ایران را قربانی مصالح روز و تنگ‌نظرانه‌ی خود می‌کنند. حل مسایل روز ایران بدون توجه به آینده‌ی کشور ما عملی نیست. امروز و فردا را باید در پرتو یک سیاست نگریست. نمی‌شود به‌بهانه‌ی توجه به‌امروز، فردا را به‌فراموشی سپرد. این فراموشی در واقع مرز میان دوستان و دشمنان انقلاب ایران را مخدوش می‌کند و دقیقاً این همان سیاستی است که این عده دنبال می‌کنند.

برای یاران امریکا و اسرائیل طبیعتاً مسکوت گذاردن ماهیت حکومت آینده‌ی ایران و یا ماهیت تغییراتی که باید انجام گیرد مفید و در راستای سیاست آنهاست، زیرا هر تغییری اگر به‌پشتوانه‌ی خلق ایران انجام نگیرد و سیاست روشن انقلابی بر آن حاکم نباشد، تغییری به‌نفع امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه است که می‌خواهد از ایران کشوری نیمه-مستعمره بسازد و دستاوردهای انقلاب به‌من [دلو] را پس بگیرد. رژیم حاکم بر این کشور نیمه‌مستعمره رژیمی سرکوبگر، ضدبشر، غارتگر و... خواهد بود که ما نمونه‌ی آنها را در دودمان پهلوی تجربه کرده‌ایم. باید با این فریبکاری یاران امریکا مبارزه کرد که چنین جلوه می‌دهند که گویا امریکا مبشر آزادی خواهی و مجری حقوق بشر در سراسر جهان است و حضورش در ایران به همه‌ی خواستها و آرزوهای مردم ایران تحقق می‌بخشد. نوکران بیگانه می‌کوشند امریکا را ناجی بشریت جلوه دهند.

این حقیقت را همه دانسته است که در این "جبهه‌ی براندازی" شخصیت‌هایی نظیر هیلری کلینتن، دونالد ترامپ، نتانیاهو، محمد بن سلمان و... نظایر آنها نیز حضور دارند و جیبهای این اپوزیسیون سرنگونی‌خواه را با دالره‌های خویش به‌عنوان متحدانی که نباید مورد حمله و افشاء قرار گیرند، پر می‌کنند و امکانات مالی، اطلاعاتی، فنی، تجهیزاتی، حقوقی، رسانه‌ای و... خود را در خارج از کشور در اختیار آنها قرار می‌دهند تا دروغ بگویند و توطئه کنند و در شیپور تحریم و تجاوز به‌ایران بدمند. این اپوزیسیون سرنگونی‌خواه، ستون پنجم امپریالیسم و صهیونیسم در ایران است. به‌همین جهت نیروهای انقلابی باید روشن کنند که فرقه‌شان با این مجموعه‌ی ناسالم در کجاست، چه عواملی آنها را از این باند تبهکار جدا می‌سازد

روشن است رژیمی که در ایران فردا بر سر کار می‌آید تنها باید به‌دست مردم ایران و نه ارتش اجانب بر سر کار آید. مردم ایران شایسته‌ی یک رژیمی هستند که محصول تجاوز و تهدید امپریالیستی و صهیونیستی نباشد. مردم ایران رژیم دست‌نشانده و وابسته به‌امپریالیسم نمی‌خواهند. مردم ایران خواهان رژیمی هستند که ماهیتاً دموکراتیک و ملی بوده و نه تنها سیاست داخلی سازنده‌ای برای رفع تبعیض و حداقل کاهش شکاف طبقاتی داشته باشد بلکه در عرصه‌ی خارجی نیز سیاستی انقلابی در حمایت از نیروهای انقلابی منطقه اتخاذ کند. رژیمی که در ایران بر سر کار می‌آید باید به‌حق ملل در تعیین سرنوشت خویش به‌دست خویش و نه به‌دست اجنبی احترام بگذارد و تمامیت ارضی ایران و حق حاکمیت ملی

ایران و سایر ملل را به رسمیت بشناسد. این رژیم باید منافع زحمتکشان و اکثریت خلق ایران را در نظر بگیرد و به- حقوق دموکراتیک مردم ایران احترام بگذارد، آزادیهای دموکراتیک را برقرار کند و ایرانی بنا نهد که آمادگی رشد مبارزه طبقاتی در آن افزایش یابد. اینگونه مسایل باید مضمون مبارزه ما را برای سرنگونی این رژیم تعیین کند. در غیر این صورت صرف سرنگونی این رژیم بدون روشن کردن مضمون سیاسی آن جز صدمه زدن به ایران و مردم ایران نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. خواست سرنگونی بدون شفافیت بخشیدن به مضمون سیاسی سرنگونی، تنها انتقام‌جویی و عنادورزی سیاسی و شخصی و خونخواهی قرون وسطائی است.

ما ایرانی می‌خواهیم که ضدامپریالیست، ضدصهیونیست، ضد فاشیست و ضد نژادپرستی، دموکرات، مستقل، آزاد و متکی به نیروی خود باشد. مضمون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را که ما خواهان آنیم حتی اگر ماهیت سرمایه- دارانه آن را در نظر نگیریم - چنین خصوصیتی تشکیل می‌دهند. سلطنت طلب و مجاهد و یا یاران امریکا و اسرائیل خواهان چنین ایرانی نیستند. شرکت آنها در جبهه براندازی برای تحقق آمال مردم ایران نیست. برای آن است که با همدستی مثنی اپوزیسیون ایرانی خودفروخته که بر تمام این خواستها خط بطلان کشیده‌اند، به تغییر رژیم در ایران نایل آیند و عمال دست‌نشانده خویش را بر مسند قدرت بنشانند و برای استقرار خویش مجدداً گشتار کنند و این بار از حمایت امپریالیستها نیز برخوردار باشند. با این شعار سرنگونی که دورنما را از مردم ایران می‌گیرد و تنها خواست بیگانگان را بازتاب می‌دهد باید مبارزه نمود. اگر ما مضمون سرنگونی را از هم اکنون روشن نکنیم و مردم و طبقه کارگر را بر اساس آن آموزش ندهیم زمانی فر خواهد رسید که کار از کار خواهد گذشت که آنگاه دیگر خیلی دیر است.

دشمن عمده ما کسانی هستند که به این خواستهای مردم ایران توجه ندارند و در فکر غارت میهن ما می‌باشند. این هواداران "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" وقتی کُمت استدلالتان می‌لنگد به این استدلال پناه می‌برند که "هر رژیمی جای این رژیم بیاید خوب است" و یا "بالاخر از سیاهی رنگی نیست" در حالی که این نوع استدلال به جز جنبه شعاری آن تنها حرف پوچ است، زیرا از تحلیل مشخص از شرایط مشخص ایران نتیجه نمی‌شود. رژیمی را سرنگون کردن بدون آن که رژیمی را به جای آن بر سر کار بیاوریم تنها با این هدف صورت می‌گیرد که آشوب آفرینی کنیم که هرگز مورد پذیرش خلق ایران و گزیده مطلوب وی نیست. ایران متلاشی و پاره پاره را کسی آرزو نمی‌کند. این تنها آرزوی دشمنان ایران از جمله امریکا و اسرائیل است. آنها از ایران فروپاشیده حمایت می‌کنند زیرا می‌توانند با حضور نظامی خود نفت و گاز ایران، مس و طلا و اورانیوم ایران و... را همانگونه که در عراق و لیبیا می‌کنند غارت کنند. حزب کار ایران (توفان) با این سرنگونی موافق نیست. با این سرنگونی امپریالیسم، صهیونیسم، وهابیسم و نوکران ایرانی آنها موافقت و بدون توجه به سطح قوام‌یافتگی شرایط عینی و ذهنی جامعه خواهان تعجیل در سرنگونی برای ایجاد آشوب و ناامنی در ایران‌اند. نیروهای انقلابی و مسؤول در ایران، ویرانی ایران را شرط سرنگونی قرار نمی‌دهند بلکه خواهان آن چنان سرنگونی هستند که مضمون مترقی و انقلابی آن را همه جامعه احساس کند و در امنیت از دستاوردهای این سرنگونی برخوردار شود. مردم ایران از این نوع سرنگونی دفاع می‌کنند.

برگرفته از توفان شماره ۲۳۹ بهمن‌ماه [دلو] ۱۳۹۸ - جنوری سال ۲۰۲۰
ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)